



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و پنجم - بهار ۱۳۹۷ - از صفحه ۱۳۵ تا ۱۶۰

گروه کارکرد تمثیل در اشعار سبک خراسانی

ویدا شیرکوند^۱، احمد خاتمی^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

در بلاغت فارسی اصطلاح تمثیل حوزه معنایی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که تشبیه مرکب، ضرب‌المثل، اسلوب معادله، حکایت اخلاقی و روایت‌های داستانی و قصه‌های رمزی را شامل می‌شود. تمثیل ریشه در عقلانیت و اندیشه دارد، از این رو رابطه‌ی آن با متون خردگرا یک رابطه‌ی مستقیم است. در تاریخ ادب فارسی، شاعران سبک خراسانی از مضامین تمثیلی بسته به میزان تعلیمی بودن سروده‌هایشان در جهت بیان مقاصد خویش بهره برده‌اند. در این مقاله میزان گرایش چند تن از سراینده‌گان این دوره به استفاده از تمثیل با خواندن سی درصد از ابیات هر شاعر و جمع‌آوری یافته‌ها و شواهد به مدد معیارهای سبک‌شناسی، بسامدگیری و با رسم نمودار، مستندسازی شده است. نخستین شاعران این دوره عمدتاً از تشبیهات تمثیلی و ارسال المثل استفاده کرده‌اند و با گذر زمان انواع دیگر تمثیل در سروده‌های شاعران متأخر این دوره نمود می‌یابد و با روش آگاهانه برای پوشیده‌گویی و بیان غیرمستقیم اندیشه خود به تمثیل روی می‌آورند.

واژه‌های کلیدی: تمثیل، اشعار، سبک خراسانی، بلاغت فارسی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۵

پست الکترونیک نویسنده مسؤول: a_khatami@sbu.ac.ir

پست الکترونیک: v59sh@yahoo.com

مقدمه

در مباحث بلاغی فارسی و عربی تمثیل از خانواده‌ی تشبیه و استعاره است و در برخی آثار ادبی فارسی، اصطلاح «تمثیل» غالباً همراه با حکایت و قصه آمده است.

«علمای بیان عموماً تمثیل را شاخه‌ای از تشبیه شمرده و با تعابیر (تشبیه، تمثیل تشبیهی، استعاره‌ی تمثیلیه و تمثیل) از آن یاد کرده‌اند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۵۵) شمس قیس رازی نیز در باب تمثیل می‌نویسد: «و آن هم از جمله استعارات است الا آنکه این نوع استعارتی است به طریق مثال و این صنعت خوشتر از استعارت مجرد باشد.» (شمس قیس رازی، ۱۳۷۳: ۳۱۹) در حقیقت تمثیل منطقی آن است که بین دو چیز مشابهتی وجود داشته باشد و به دلیل همین مشابهت حال و حکم یکی را بر دیگری قیاس کنیم؛ در بلاغت فارسی، عربی و فرنگی اصطلاح تمثیل حوزه معنایی گسترده‌ای دارد و مواردی چون تشبیه مرکب، ضرب‌المثل، اسلوب معادله، حکایات اخلاقی، قصه‌های حیوانات، داستان‌های رمزی و روایاتی که در ادبیات فرنگی بدان الیگوری گویند را در بر می‌گیرد.

در سنت کلیسا الیگوری را چنین تعریف کرده‌اند: «الیگوری داستانی است که در آن مردم، مکان‌ها و بسیاری امور غالباً معنای دیگری دارند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۵۱)

تمثیل داستانی یا الیگوری دو لایه معنایی دارد: لایه اول صورت قصه و لایه دوم معنای ثانوی و عمیق‌تری که به آن روح تمثیل می‌گویند.

«پس تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هر چند معنای ظاهری دارد اما مراد گوینده معنای کلی‌تر دیگری است.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۰۵)

با آنکه در کتاب‌های برجسته‌ای مانند حدیقه سنایی، آثار عطار و مثنوی مولانا اصطلاح الحکایه و التمثیل بر پیشانی قصه‌ها مکرر نوشته شده اما منابع بلاغی به این نوع تمثیل التفاتی نکرده‌اند.

ترکیب «داستان زدن» نیز به معنی «مثل زدن» یا ضرب‌المثل کراراً به کار رفته است. «مَثَل» ممکن است قولی کوتاه و ممکن است به شکل یک داستان از زبان حیوانات و اشیاء و یا حتی از زبان اشخاص و مربوط به آنها باشد.» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۴۱-۱۴۰)

در تمثیل ممکن است شخصیت‌ها شخصیت‌های اساطیری و انسانی (پارابل) و یا حیوانات و اشیای شخصیت یافته (فابل) باشند. «پارابل» وقایعی را بیان می‌کند که به طور طبیعی قابل وقوع است اما «فابل» یک موقعیت خیالی را که امکان وقوع آن در خارج ممکن نیست بیان می‌کند.

داستان‌های رمزی و «تمثیل رمزی» حکایاتی هستند که در آنها غرض اصلی گوینده به طور واضح بیان نمی‌شود و نوعی ابهام در آن است، در این تمثیل‌ها گوینده با عالمی راز آلود سر و کار دارد که برای بیان حقایق این عالم متوسل به ساختن داستانی می‌شود که متشکل است از مجموعه نمادها و برای مردم عادی کاملاً نامفهوم است و برای آشکار شدن قصد گوینده باید به تفسیر آن پرداخت.

بدیهی است که تمثیل به قلمرو مفاهیم مربوط است و به یک مفهوم عقلی اشاره می‌کند درحالی‌که نماد از حد عقل عبور کرده و به عوالم غیرقابل درک ورود می‌کند. «تمثیل در سطح عقلانی اندیشه حرکت می‌کند اما نماد از آن در می‌گذرد. در تمثیل همیشه قصد تعلیم وجود دارد، خواه این تعلیم یک درس اخلاقی مربوط به امور دنیایی باشد خواه تعلیم عقاید دینی و عرفانی.» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۴۲)

پیشینه پژوهش

درباره‌ی تمثیل و مضامین تمثیلی در شعر شاعران مورد بحث تاکنون پژوهش مطلق و مفصلی انجام نگرفته است. گرچه مقالاتی به بررسی این موضوع به صورت منفرد در آثار برخی شعرای خراسانی پرداخته‌اند؛ از قبیل چهار مقاله «تشبیه تمثیل در شعر منوچهری» (یحیی طالبیان، ۱۳۷۷)، «بررسی عوامل و عناصر نمایشی در تمثیلات ادبیات کهن» (محمد مؤمنی، ۱۳۹۵)، «مضامین تمثیلی در اشعار ناصر خسرو» (حسینی کازرونی و خیاطان، ۱۳۹۶)، «رویکرد نظامی به تمثیل حیوانات از دیدگاه ادبیات تطبیقی» (ناهد جعفری و زهرا بخشی‌پیش‌کناری، ۱۳۹۶) که تنها داستان شیخ صنعان را از دیدگاه عناصر نمایشی مورد بررسی قرار داده است. همچنین کتاب «مثل و تمثیل در شاهنامه فردوسی» (محمدعلی بلالی و محمد علوی‌مقدم، ۱۳۸۶)

امید است در این پژوهش که با روش بسامدگیری و ذکر آمار دقیق در سی درصد آثار گویندگان خراسانی می‌باشد، نتیجه کار جزئی‌تر، دقیق‌تر و کاربردی‌تر باشد.

تمثیل در شعر خراسانی

در شعر شاعران سبک خراسانی، به ویژه در قرون چهارم و پنجم، اغلب موضوعات شعری مدح و ستایش کسانی است که بویی از مکارم اخلاقی نبرده‌اند و اگر شعر آنها را با ترازوی نقد اخلاقی و خردورزی بسنجیم، وزن چندانی نخواهد داشت از آنجا که روح تمثیل ریشه در اندیشه و گرایش به عقلانیت دارد در دوره مورد مطالعه آمار تمثیلات استخراج شده در برخی از شاعران چندان چشم‌گیر نیست.

گویندگان هر دوره علاوه بر اندیشه غالب از زبان معیار عصر خویش متأثرند و لازمه‌ی درک تصرف‌ها و عدول‌هایی که شاعر در زبان پدید آورده است، آشنایی با زبان معیار آن دوره ادبی است که اگر این زبان به دوره‌های گذشته تعلق داشته باشد، کاری دشوار خواهد بود؛ شناخت ویژگی‌های دوره‌ای با خواندن دقیق و تک به تک متن‌ها و شناخت سبک فردی آغاز می‌شود، سپس با شناخت یافته‌های متنی و تحلیل و دسته‌بندی آنها می‌توان به نظام سبکی متن‌ها پی برد. در پژوهش حاضر کوشش شده تا به مدد معیارهای سبک‌شناسی شعر، انواع تمثیلات از جنبه بلاغی آن در برهه زمانی قرن سوم هجری تا پایان قرن ششم هجری که بدان سبک خراسانی اطلاق می‌شود با ذکر شواهد و ذکر آمار دقیق بررسی شود.

در دوره مورد بحث نزدیک به سیصد شاعر خرد و بزرگ است که بررسی تمامی اشعار آنها نه ممکن بود و نه مفید، بدین لحاظ از میان شاعران این دوره چند تن بر اساس کمیت یا ارزش اشعار گزیده شدند و سی درصد از ابیات هر یک از سراینندگان مورد بررسی و بسامدگیری قرار گرفتند، در بررسی اشعار آنها به تمام سطوح ادبی (بلاغی) و فکری توجه شده اما از آنجا که هدف تدوین این مقاله پرداختن به مبحث تمثیل و کارکرد آن می‌باشد از بیان آمار سایر سطوح پرهیز خواهد شد اما گاه بنابه ضرورت اشاراتی بدان‌ها می‌شود.

سرایندگانی که شعر آنها مورد پژوهش قرار گرفته عبارتند از: رودکی، دقیقی، فردوسی، کسایی، عنصری، منوچهری، ناصر خسرو، خیام، سنایی، انوری، خاقانی، نظامی و عطار.

با توجه به اینکه در سال تولد برخی از شاعران مورد بحث اختلاف آراء وجود دارد، نظم بخشیدن و ترتیب پژوهش بر اساس سال وفات آنها صورت گرفته است، در پایان اطلاعات فراهم شده با ارائه نمودار مستندسازی شده است و مقایسه‌ای میان شاعران مبنی بر استفاده آنان از تمثیل صورت گرفته است.

حوزه این پژوهش درباره‌ی تمثیل‌های عقلانی و اخلاقی و تعلیمی است، از این نظر آن دسته آثار صوفیانه عطار و سنایی که سرشار از نمادهای راز آلود عرفانی می‌باشند مورد بررسی قرار نخواهد گرفت.

رودکی، دقیقی، کسایی و عنصری

در حوزه پژوهش حاضر سی درصد از دیوان شعر رودکی و سی درصد از اشعار دقیقی که قریب به ۲۲۰ بیت آن بیت آن از گشتاسب‌نامه و ۲۰۰ بیت دیگر از ابیات پراکنده و سی درصد از اشعار کسایی و نیز سی درصد از دیوان عنصری مورد بررسی و بسامدگیری قرار گرفت. حاصل این بسامدگیری در اشعار رودکی دو مورد، دقیقی دو مورد، کسایی چهار مورد و در اشعار عنصری هشت مورد است که برای رعایت ایجاز به ذکر یک شاهد از هر شاعر بسنده می‌شود.

به چشمت اندر بالار ننگری تو به روز به شب به چشم کسان اندرون بینی گاه

(رودکی، ۴/۹)

چو آب اندر شمر بسیار مانند زهومت گیرد از آرام بسیار

(دقیقی، ۹۹/۱۰۸۴)

به خارپشت نگه کن که از درشتی موی به پوستش نکند طمع پوستین پیرای

(کسایی، ۴۹/۱۸۴)

نعت گویی جز به نام او سخن ضایع شود تخم چون بر شوره کاری ضایع و بی بر شود

(عنصری، ۲۶/۳۰۴)

این چهار شاعر که از نخستین شاعران دوره خراسانی هستند اغلب از تشبیهات تمثیلی و ارسال‌المثل استفاده کرده‌اند، کسایبی چهار مورد تمثیل خود را در خدمت و عطف قرار داده است و عنصری علاوه بر هفت بیت با مضمون تمثیلی نمونه‌ای از یک حکایت تمثیلی دارد با مطلع:

میان زاغ سیاه و میان باز سپید
شنیده‌ام ز حکیمی حکایتی دلبر...

(عنصری، ۱۴۱/۱۵۲۷)

فردوسی

فردوسی بزرگترین حماسه‌سرای ایران در قرن چهارم و پنجم است. «کنیه و تخلص او مسلم، لیک در اسم خود و پدرش اختلاف است.» (خالقی مطلق، ۱۳۸۵: ۳)

سال وفات او را دولت‌شاه سمرقندی ۴۱۱ قمری و حمداله مستوفی و فصیح خوافی ۴۱۶ قمری آورده‌اند. (دولت‌شاه، ۱۳۳۷: ۶۲؛ خوافی، ۱۳۴۱: ۱۲۹؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۴۳)

فردوسی را نمی‌توان شاعر صنعت پرداز شناخت زیرا در شعر او تکلف‌های بدیعی و تصنع راه نداشته و کاربرد صنایع لفظی و معنوی در حد اعتدال است. تشبیه‌ها، استعاره‌ها، اغراق‌ها و تمثیل‌های وی جنبه‌ی حماسی دارند.

در میان شاعران سده چهارم و پنجم فردوسی سهم بیشتری از تمثیل را به خود اختصاص داده است و نسبت به سایرین در استفاده از تمثیل پیش‌رو می‌باشد، وی تمثیل‌ها را نیز اغلب در خدمت مضمون حماسه گرفته است و به آن لحن حماسی می‌دهد. فردوسی در میان انواع تمثیل از گونه اسلوب معادله، تشبیه تمثیل و مثل بهره برده است؛ وی بر خلاف هم روزگاران‌ش سخن را دراز دامن نمی‌کند و همین ویژگی عاملی است برای به کارگیری مضامین تمثیلی.

منبع پژوهش، شاهنامه فردوسی زیر نظر «ی. ا. برتلس» بر اساس نسخه‌ی نه جلدی چاپ مسکو بوده است.^۱

۱- در ارجاعات عدد اول از سمت راست جلد، سپس صفحه و در آخر بیت است.

چنین داد پاسخ به مادر که شیر	نگردد مگر ز آزمایش دلیر
(۱۷۴/۵۲/۱)	
سخن زین درازی چه باید کشید	هنر برتر از گوهر ناپدید
(۱۴۷/۳۰۶/۲)	
میندیش از آن کان نشاید بُدن	نداند کس آهن به آب آژدن
(۱۱۰۵/۱۷۰۳/۸)	
و گر ناسزا را بسایی به مشک	نبوید نروید گل از خار خشک
(۱۱۶۷/۱۷۰۶/۸)	
به کردار دریا بود کار شاه	به فرمان او تابد از چرخ ماه
(۱۵۴۶/۱۷۲۱/۸)	
ز دریا یکی ریگ دارد به کف	دگر دُر بیابد میان صدف
(۱۵۴۷/۱۷۲۱/۸)	
به ناپارسایان چه داری امید	که زنگی به شستن نگردد سپید
(۵/۷۷۶/۵)	

منوچهری

همه‌ی تذکره نویسان در کنیه، نام و نام پدر منوچهری متفق‌اند. «ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی. وفات او را در جوانی به سال ۴۳۲ قمری آورده‌اند.» (هدایت، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۹۰۹)

منوچهری استاد تشبیه است، تشبیه‌های او غالباً حسی به حسی و برخی تشبیه‌های مفصل و مرکب‌اند. استعاره در شعر وی بسامد فراوانی ندارد، اضافه‌های استعاری پایه جان‌بخشی‌های اویند؛ غیر از صنایع معمول در شعر او می‌توان لف و نشر، موازنه و ترصیع، جمع و تقسیم، عکس، حس‌آمیزی و تمثیل را هم یافت.

از نظر مفاهیم و مضامین در شعر او اندیشه‌های فلسفی و مضامین عمیق وجود ندارد، گاه توصیف‌های او جنبه داستانی به خود می‌گیرد و زمینه‌ی تمثیل را فراهم می‌آورد. اگر چه شعر

منوچهری از نظر رشد اندیشگانی چندان قوی نیست با این حال اسلوب معادله، تشبیهات مرکب به مرکب که در ردیف تشبیه تمثیلی به شمار می‌آیند و ضرب‌المثل مصادیقی در اشعار او دارند، شعر منوچهری از گونه داستان تمثیلی تقریباً خالی است.

«اسلوب معادله هم تنها ویژگی سبک هندی نیست، بلکه در گذشته و از جمله در شعر

منوچهری به چشم می‌خورد.» (طالبیان، ۱۳۷۷: ۸۰)

دیوان منوچهری شامل ۲۸۱۵ بیت است که سی درصد اشعار او یعنی ۸۴۵ بیت آن موضوع این پژوهش می‌باشد. منبع تحقیق، دیوان منوچهری به کوشش دکتر محمود دبیرسیاقی است که از سوی انتشارات زوار به چاپ رسیده است.^۱

گویند سردتر بود آب از سبوی نو گرم است آب ما که کهن شد سبوی ما
(۸۰/۷)

من خواب زدیده به می ناب ربایم آری عدوی خواب جوانان می ناب است
(۱۰۴/۹)

اسبی که صفیرش نرنی می نخورد آب نی مرد کم ازاسب و نی می کمتر از آب است
(۱۰۷/۹)

هنرش هست فراوان گهرش هست نکو چون شجر نیک بود میوه فراوان گردد
(۲۸۹/۲۱)

ابله آن گرگی که او نخجیر با شیران کند احمق آن صعوه که او پرواز با عنقا کند
(۳۶۶/۲۵)

کارشه به شود و کار عدو به نشود نشود خرما خار و خارخرما نشود
(۴۸۲/۳۴)

خانه از موش تهی کی شود و باغ زمار مملکت از عدوی خُرد مصفا نشود
(۴۸۳/۳۴)

مار تا پنهان باشد نتواند گُشت او را نتوان کشت عدو تا آشکارا نشود
(۴۸۴/۳۴)

۱- در ارجاعات شواهد، عدد سمت راست شماره‌ی صفحه و عدد سمت چپ شماره‌ی بیت است.

- تیر را تا نتراشی نشود راست همی سرو را تا که نیبرایی والا نشود
(۴۸۶/۳۴)
- او مار بود و مار چو آهنگ او کنی اندر جهد زبیم به سوراخ تنگ غار
(۵۸۹/۴۱)
- گر شاه ما نگشت ورا بود از ان قِبَل کز عار و ننگ هیچ امیدی نکشته مار
(۵۹۹/۴۱)
- قمری هزار نوحه کند بر سر چنار چون اهل شیعه بر سر اصحاب نبوی
(۱۸۰۱/۱۳۴)
- شیر نر تنها بود هر جا و خوکان جفت جفت ما همه جفتیم و فردست ایزد دادآفرین
(۱۲۳۶/۹۰)
- از مردم بد اصل نخیزد هنرنیک کافور نخیزد زدرختان سپیدار
(۶۴۸/۴۴)

ناصر خسرو

شاعر توانای قرن پنجم «ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی مروزی متخلص به حجت» (فروزانفر، ۱۳۸۷: ۱۴۸) اغلب تذکره‌نویسان سال مرگ او را ۴۸۱ می‌دانند. او مدح، غزل، تشبیب و نسیب را وا می‌نهد و به قول خودش کسای کسایی را به دیبه رومی تبدیل می‌کند و این دیبه منقش است به زهد، طامات، پند، اعراض از دنیا، ستایش دانش و خرد، عدالت و تکریم انسان و پرهیز از رذایل اخلاقی؛ تشبیه‌های او حسی، مرکب و مفصل‌اند و اغلب ذهنی و تجربیدی‌اند. از تشبیه‌های قرآنی استفاده می‌کند؛ اضافه‌های تشبیهی و استعاری پایه و اساس تشبیه و استعاره‌های او هستند. تقابل و تناسب، انواع جناس، تکرار واژگان، صامت و مصوت‌ها، موازنه، جمع و تقسیم، سیاقه الاعداد و رد العجز الی صدر در دیوان ناصر خسرو یافت می‌شود، او با آوردن انواع تمثیل شعرش را استدلالی می‌نماید. وی با تکیه بر عنصر خیال و بلاغت به مضامین دشوار کلامی و فلسفی، لطافت می‌بخشد و مفاهیم عقلانی را با بهره‌مندی از تمثیل به تصاویر حسی مبدل می‌گرداند، ناگفته نماند که تمثیل‌های وی ماهیت دینی و کلامی دارند.

ناصر خسرو را می‌توان نماینده‌ی نسل خردگرای شاعران و نویسندگان عصر خود دانست، از آنجا که دستگاه فکری اسماعیلیه از آغاز در پی ایجاد زبان رمزی و تأویلی در تولیدات محتوایی خود بود، از تمثیل و مثل به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری و تبیین حکمت متعالی آثار خود استفاده نمود؛ چندان که خود وی هم اشاره‌ای به این موضوع دارد:

من این سخن که بگفتم تو را نکو مثلی است مثل بسنده بود هوشیار مردان را
(کازرونی، ۱۳۹۶: ۳)

تمثیل‌های ناصر خسرو در مقایسه با تمثیلات پیش از او دارای خلاقیت‌هایی است که از نظر موضوع و موتیف به خرج داده است و داستان‌هایی را آورده که در اشعار قدما بی سابقه است. تمثیل‌های زهدآمیز ناصر خسرو حتی برای مخاطب عام هم به راحتی قابل تشخیص و فهم هستند. «ضرب‌المثل‌های به کار رفته در دیوان اشعار ناصر خسرو عمدتاً برگرفته از متون عربی مانند «یتیمه الدهر» و «دیوان المویذ فی الدین» هستند.» (کازرونی، ۱۳۹۶: ۱۷)

در این پژوهش منبع ارجاعات و شواهد دیوان ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق است.^۱

نشد بی قدر و قیمت سوی مردم ز بی قدری صدف لولوی شهوار
(۹/۱۸)

گل خوشبوی پاکیزه‌ست اگر چند نروید جز که در سرگین و شد یار
(۱۰/۱۸)

فضل طبرخون نیافت سنجد هرگز علوم انسانی و معارف اسلامی گر چه زدیدن چو سنج‌دست طبرخون
(۳۸/۱۰)

تخم اگر جو بود جو آرد بر بچه سنجاب زاید از سنجاب
(۳۷/۲۹)

زیرا که به تیرماه جو خورد هر کو بهار جو پراکند
(۱۵/۲۳)

از نیند آمد پلیدی جهل پیدا بر خرد چون بود مادر پلید ناید پسر زو جز پلید
(۱۷/۵۳)

۱- در ارجاعات شواهد، عدد سمت راست شماره‌ی صفحه و عدد سمت چپ شماره‌ی بیت است.

بد خو شدی زخوی بد یار بد، چنانک
خنجر خمیده گشت چو خمیده شد نیام
(۲۲/۵۷)

به نرمی ظفر جوی بر خصم جاهل
که گه را به نرمی کند پست باران
(۵۸/۸۵)

دشنام دهی باز دهندت زپی انک
دشنام مثل چون درم دیر مدارست
(۴۰/۸۸)

گوشت ار گنده شود او را نمک درمان بود
چون نمک گنده شود او را به چه درمان کنند
(۱۸/۱۵۰)

خار مدرو تا نگردد دست و انگشتت فگار
از نهال و تخم تتری نی شکر خواهی چشید
(۱۲/۵۲)

یکی از تمثیل‌های معروف ناصر خسرو که الهام‌بخش دیگر شعرا بوده این است:

گویند عقابی به در شهری برخاست
وز بهر طمع پر به پرواز بیاراست
ناگه ز یکی گوشه از این سخت کمانی
تیری ز قضا بد بگشاد برو راست
در بال عقاب آمد آن تیر جگر دوز
وز ابر مرو را به سوی خاک فرو خواست
زی تیر نگه کرد پر خویش برو دید
گفتا ز که نالیم به که از ماست که بر ماست
(۵۲۳ و ۵۲۴ / ۱-۴)

بسامد تمثیل در سی درصد ابیات ناصر خسرو ۴۵ مورد است.

خیام

اهل ادب می‌دانند که خیام در زمان خویش به شاعری مشهور نبوده بلکه او را حکیم و فیلسوف می‌شناختند. «غیاث‌الدین ابوالحفص عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری، ریاضی‌دان، منجم، حکیم و شاعر ایرانی در ذیقعه ۴۳۹ متولد و در سال ۵۲۶ درگذشت.» (قربانی، ۱۳۷۵: ۳۲۵) خیام به دو سبب توجه به مضمون و نقش شاعری برای خویش قائل نبودن، خود را مقید به برخی از محدودیت‌های زبان ادبی ندانسته و از زبان و نحو به صورت طبیعی بهره می‌برده است. رباعیات خیام اگر چه به لحاظ کمیت چشمگیر نیستند اما از نظر تأثیر بر مخاطب کم

نظیر و قابل توجه‌اند. هر چند حجم اشعار خیام اندک است اما طیف متنوعی از آرایه‌های بلاغی را می‌توان در آنها مشاهده نمود. تقابل، اضافه‌های تشبیهی، جان‌بخشی، تناسب، مجاز و کنایه به ترتیب بیشترین بسامد را در رباعیات خیام دارند. اما آرایه‌های تلمیح، تمثیل، عکس، ایهام و پارادکس در اشعار وی انگشت‌شمارند. سهم تمثیل‌های خیام در کل آرایه‌های بلاغی وی اندک می‌باشد. تمثیل‌های خیام یادآور نکات عبرت‌آموز، اشاره به ناتوانی عقل در درک مسائل، هیچ‌پنداری و تقدیرگرایی است و غالباً حول محور کوزه و کوزه‌گری می‌چرخد و بیشترین بهره خیام از گونه مثل و حکایات کوتاه تمثیلی می‌باشد. منبع این پژوهش رباعیات خیام، تصحیح محمدعلی فروغی و قاسم غنی با ویرایش جدید بهاءالدین خرمشاهی است.^۱

این نقد بگیر دست از آن نسیه بدار
کآواز دهل شنیدن از دور خوش است

(۴۱/۱۱۴)

پیری دیدم به خانه‌ی خماری گفتن نکنی زرفتگان اخباری
گفت می‌خور که همچو ما بسیاری رفتند و خبر باز نیامد باری

(۱۶۷/۱۶۴)

از کوزه‌گری کوزه خریدم باری آن کوزه سخن گفت زهر اسراری
شاهی بودم که جام زرینم بود اکنون شده ام کوزه‌ی هر خماری

(۱۵۹/۱۶۱)

دی کوزه‌گری بدیدم اندر بازار بر پاره گلی لگد همی زد بسیار
و آن گل به زبان حال با او می‌گفت من همچو تو بوده‌ام مرا نیکو دار

(۱۰۷/۱۴۰)

۱- در ارجاعات شواهد، عدد سمت راست شماره‌ی صفحه و عدد سمت چپ شماره‌ی رباعی است.

سنایی

حکیم ابوالمجد مجدود ابن آدم، شاعر و عارف نامدار؛ «در زمینه سال وفات او اختلاف نظر وجود دارد واضح اقوال این است که در سال ۵۴۵ وفات یافته باشد.» (فروزانفر، ۱۳۸۷: ۲۶۳)

وی نخستین شاعر پارسی‌گوی است که سه قالب قصیده، مثنوی و غزل را در خدمت عرفان در آورده است.

از نظر بلاغی شعر سنایی اقسام صنایع چون تناسب، تقابل، تشبیه، استعاره جناس، واج‌آرایی، تلمیح، اضافه‌های تشبیهی و استعاری، کنایه، مجاز، پارادوکس و اسلوب معادله دیده می‌شود. سنایی گاه برای روشن شدن مضمونی دشوار از ابیات تمثیلی بهره می‌گیرد که فقط قرینه مفهوم قبلی است و هیچ‌گونه ارتباط لفظی میان آنها نیست.

سنایی در آغاز شاعری و پیش از تحول روحی‌اش زبان تندش او را به هجوگویی می‌کشاند و در دوره‌ی دوم گاه از همین زبان غیرعفیفانه استفاده کرده و با تمثیل‌های زشت، قصد تعلیم و آموزش دارد. سنایی در آثار اخلاقی، حکیمانه و زاهدانه خود مفاهیم عقلانی زیادی گنجانده و از مضامین تمثیلی سود برده است، انواع مختلف تمثیل به یک میزان در حوزه فعالیت‌های عقلانی او برای بیان اندیشه‌ها و افکارش به کار گرفته شده‌اند.

منبع این پژوهش دیوان سنایی است که مقدمه و فهرست آن را محمدتقی مدرس رضوی فراهم آورده است. حوزه پژوهش قصاید، قطعه‌ها، غزل‌ها و رباعی‌های سنایی را در بر می‌گیرد.^۱

۱- در ارجاعات، عدد سمت راست شماره‌ی صفحه و عدد سمت چپ شماره‌ی قصیده، غزل یا رباعی است و حروف اختصاری «ق» بر قصیده، «ت» بر ترجیع‌بند، «غ» بر غزل، «ط» بر قطعه و «ر» بر رباعی دلالت دارد.

- گودکان را خربزه گرم است و پیران را خیار
گردد خرسندی و بخشش گرد زیرا طمع و طبع
(۱۱۱/۱۸۸)
- سگ بود آنجا کسی کاینجا نباشد سگ سوار
خشم را زیر آرز در دنیا که در چشم صفت
(۱۱۱/۱۸۷)
- خفته را خفته کی کند بیدار
عالمت غافل است و تو غافل
(۱۲۴/۲۰۲)
- نکند باز، موش مرده شکار
نکند عشق نفس زنده قبول
(۱۲۴/۲۰۲)
- برگ توت است که گشته است به تدریج اطلس
تو فرشته شوی از جهدکنی از پی آنک
(۱۴۱/۳۰۸)
- خر وحشی ز نشتر بیطار
وارهان خویش را که وارسته است
(۱۲۴/۲۰۳)
- یک رمه افراسیاب و نیست پیدا پور زال
عالمی زاغ سیاه و نیست یک باز سپید
(۱۵۸/۳۴۶)
- کز حریمی همچو خوکی تندرست و ناتوان
از کلاغ آموز پیش از صبحدم برخاستن
نحل وار از بهر خوردن رو یکی در بوستان
چون خبزدو گردی اندر مستراح از بهر خورد
تا نمائی خیره مالیده به دست این و آن
خون مخور چون پشه و چون کبک شادان برمجعه
(۲۰۶/۴۵۶)
- بشنو که مختصر مثلی زد حکیم ما
در وصف این زمانه‌ی ناپایدار شوم
بسته درو امید رضیع و فطیم ما
گفتا زمانه ما را مانند دایه ایست
مانند مادران شفیق و رحیم ما
ز اول به مهر دل، همه را او پیرورد
چون مدتی برآید بر ما عدو شود
از بعد آن که بود صدیق و حمیم ما
(۲۰/۵۸)
- خال بر روی سیاهان کی دهد زیب و طراز
مال در دست بخیلان کی خرد مدح و ثنا
(۱۳۷/۳۰۳)
- تا نپنداری که کشتی‌ها همه همبر برند
این جهان دریا و ما کشتی و زنهار اندر او
کشتی را پیش باد امروز در تازان کنند
کشتی را پیش بلا لنگر برند

کشتی را غرق گردانند در دریای غیب
کشتی را هم ز صرصر تا در معبر برند
(۱۵۵/ق ۸۵)

انوری

قصیده‌سرای بزرگ قرن ششم «اوحد الدین محمد بن محمد بن اسحاق انوری ابیوری که مجمع الفصحا وفات او را ۵۷۵ و امین احمدرازی ۵۸۳ دانسته‌اند.» (فروزانفر، ۱۳۸۷: ۳۴۷) انوری مانند غالب شاعران قرن ششم شعری فنی و آراسته دارد انواع صنایع بدیعی را در شعر او می‌توان یافت. تصاویر او فشرده است و همین سبب سختی و دشواری فهم شعر او می‌شود. شعرش سرشار از مثل‌ها و کنایه‌هاست و همین ویژگی زبان او را به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک می‌کند و بین زبان عامه و اهل ادب رابطه برقرار می‌کند. بیشترین بسامد صنایع متعلق است به اضافه‌های استعاری، اضافه‌های تشبیهی، موازنه و تقابل، گرچه از سایر صنایع نیز بسیار بهره برده است.

مضامین تمثیلی انوری گاه به صورت داستان تمثیلی اجتماعی یا سیاسی در قطعات او نمود پیدا می‌کند مثلاً قطعه‌ی «آن شنیدستی که روزی زیرکی با ابلهی»، همچنین قطعه‌ی «در حدود ری یکی دیوانه بود» که اعتراضی تمثیلی به مال اندوزی دولتمردان ظالم هستند و نیز قطعه‌ی «روزی پسری با پدر خویش چنین گفت»، که فساد مالی مردم جامعه را مورد نقد قرار می‌دهد. در کل انوری از انواع گونه‌های بلاغی تمثیل برای بیان مقاصد خویش به یک میزان استفاده کرده است.

در بررسی و پژوهش حاضر از دو منبع استفاده شده است، منبع اول دیوان انوری با مقدمه‌ی سعید نفیسی و منبع دوم شرح لغات و مشکلات دیوان انوری نوشته سید جعفر شهیدی.

دیوان انوری مشتمل بر ۱۳۳۰۸ بیت است که در این پژوهش سی درصد آن یعنی ۳۹۹۲ بیت مورد بررسی قرار گرفته است. حوزه‌ی بررسی شامل قصاید، غزل‌ها و قطعات می‌باشد.^۱

۱- در ارجاعات شواهد، با توجه به فقدان شماره در قصاید و قطعه‌ها، فقط شماره‌ی صفحه ذکر گردیده اما در غزل‌ها علاوه بر ذکر صفحه، شماره‌ی غزل هم آورده شده است. در غزل‌ها عدد سمت راست شماره‌ی صفحه و عدد سمت چپ شماره‌ی غزل می‌باشد. علائم «ق» به جای قصیده و «ط» به جای قطعه به کار رفته است.

باش تا صبح دولتت بدمد
کاین هنوز از نتایج سحر است
(۱۰۸/ق)

تا که باشد این مثل کالیاس احدی الراحین
بادی اندر راحتی کو را نباشد بیم یاس
(۲۳۶/ق)

آن شنیدستی که روزی زیرکی با ابلهی
گفت چون باشد گدا آن کز کلاهش تکمه‌ای
گفتش ای مسکین غلط اینک از اینجا کرده‌ای

گفت کین والی شهر ما گدایی بی حیاست
صد چو ما را روزها بل سالها برگ و نواست
آن همه برگ و نوا دانی که آنجا از کجاست
(۵۱۲/ط)

روزی پسری با پدر خویش چنین گفت
گفتا چه تفحص کنی احوال گروهی
بازار یکی مزرعه‌ی تخم فساد است
قولی نبود راست‌تر از قول شهادت

کان مردک بازاری از آن زرق چه جوید
کز گند طمعشان سگ صیاد نبوید ...
زان تخم در آن خاک چه پاشی که چه روید ...
زان در همه بازار یکی راست نگوید
(۵۸۶/ط)

نسبت بهره‌گیری انوری در سی درصد ابیات وی ۳۶ بیت می‌باشد.

خاقانی

در نام و لقب خاقانی اختلاف‌هایی وجود دارد اما آنچه خود در مورد نامش می‌گوید به این روایت نزدیک‌تر است. «ابی بدیل افضل الدین ابراهیم بن علی» (هدایت، ۱۳۸۱، ج ۱: ۷۳۲)، اغلب محققان معاصر سال ۵۹۵ قمری را سال درگذشت خاقانی می‌دانند.

اشعار خاقانی در زمره‌ی آثار غنی از بلاغت، هنر، زیبایی، محتوی و معنا به شمار می‌آید، وی در حکمت، اخلاق و عرفان هم دستی داشته است. در شعر او تشبیه‌های مفصل و استعاره‌های چند لایه فراوان به چشم می‌خورد، انواع صنایع دیگر نیز در شعر او مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

خاقانی بخش قابل توجهی از مفاهیم را به روش تمثیل که اغلب تلمیحی نیز دارند به قصص و روایات دینی یا اسطوره‌ای، بیان کرده است. خاقانی از تمثیلات خود علاوه بر القای اندیشه‌های دینی، اخلاقی و حکیمانه خویش بخشی را نیز برای بیان مقاصدی از قبیل مفاخره، شکایت، هجو و مدح به کار برده است، بیشترین توجه خاقانی به تشبیه تمثیلی، اسلوب معادله و مثل می‌باشد.

منبع این پژوهش «دیوان خاقانی شروانی» تصحیح ضیاءالدین سجادی است.^۱

جان از درون به فاقه و طبع از برون به فقر	دیو از خورش به هیضه و جمشید ناشتا (۱۵)
گر به رنگ جامه عیبت کرد جاهل باک نیست	تابش مه را ز بانگ سگ کجا خیزد زیان (۳۲۶)
ز خشکسال حوادث امید امن مدار	که در تموز ندارد دلیل برف هوا (۸)
ز روزگار وفا هم به روزگار آید	که حصرم از پس شش ماه می شود صهبا (۸)
بوی راحت چون توان برد از مزاج این دیار	نوشدارو چون توان جست از دهان ازدها (۲)
از گشت روزگار سلامت مجوی از آنک	هرگز سراب پر نکند قربه‌ی سقا (۱۶)
آزرده‌ی چرخم نکنم آرزوی کس	آری نرود گرگ گزیده ز پی آب (۵۶)
همت ز آستانه‌ی فقر است ملک جوی	آری هوا ز کیسه‌ی دریا بود سقا (۴)
ره امان نتوان رفت و دل رهین امل	رفوگری نتوان کرد و چشم نابینا (۱۲)
از نیم شاعران، هنر من مجوی از آنک	ناید همی ز آهن بد گوهر آینه (۳۹۹)
کعبه در دست سیاهان عرب دیده چنانک	چشمه حیوان به تاریکی گروگان دیده‌اند (۹۵)

گله از چرخ نیست از بخت است	که مرا بخت در سر اندازد
یوسف از گرگ چون کند نالش	که به چاهش برادر اندازد

(۱۲۴)

مرا دل گفت گنج فقر داری در جهان منگر

(۲۱۱)

از مزاج اهل عالم مردمی کم جوی از آنک

(۷۴۶)

۱- در ارجاعات شواهد، عددی که ذکر شده شماره‌ی صفحه است و ابیات این دیوان فاقد شماره است.

نظامی

شاعر داستان پرداز قرن شش «الیاس بن یوسف نظامی گنجوی، وفات ۶۰۰ تا ۶۰۲ قمری.»
(وحید دستگردی، ۱۳۱۷: ۵۶۸)

سراینده داستان‌های عشقی است؛ شهرت او به مثنوی‌هایش باز می‌گردد. از منظر بلاغی، یکی از عواملی که سبب دشواری و ابهام سخن نظامی می‌شود، صور خیال و عناصر بیانی شعر اوست. استعاره‌ها، کنایه‌ها و مجازهای او گاه دور از ذهن هستند. استفاده‌ی زنجیره‌ای از صنایع از دیگر عوامل ابهام برخی ابیات او به شمار می‌آید، توجه نظامی به ترکیب‌ها و تعبیرات رایج در فرهنگ عامه، ضرب‌المثل‌ها و عبارات ظریف از دیگر ویژگی‌های هنری وی است. صنایع پر بسامد در شعر او اضافه‌های تشبیهی و استعاری، تکرار، جناس، واج‌آرایی، موازنه و ترصیع می‌باشند. نمونه‌های چشمگیری نیز از پارادکس، ابهام، عکس، سیاقه‌الاعداد، تنسیق الصفات، تمثیل، جان‌بخشی و تلمیح نیز در شعر او یافت می‌شود.

اشعار نظامی به دلیل حضور عناصر عامیانه بسیار با ذوق و پسند عوام نزدیک است، نظامی از اساطیر ملی، تلمیحات تاریخی و مذهبی و حیوانات برای تمثیلات خود سود جسته است. پارابل پر کاربردترین نوع تمثیل در مخزن الاسرار می‌باشد.

«تمثیل‌های نظامی گاه زبانزد مردم شده است و برخی از عناصر عامیانه هم در شعر او راه یافته است و زبان شعری او را به ذوق و پسند عوام نزدیک کرده است.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۳۰)

حوزه پژوهش در باب صنایع بلاغی نظامی با تکیه بر دو منبع می‌باشد:

۱- کلیات نظامی گنجوی جلد اول که سه مثنوی مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون را شامل می‌گردد، تصحیح حسن وحید دستگردی.^۱

۲- گنجینه‌ی حکیم نظامی گنجه‌ای با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی به کوشش سعید حمیدیان.

عیب جوانی نپذیرفته‌اند پیری و صد عیب چنین گفته‌اند (۴۹)

۱- در ارجاعات شواهد شعری چون منابع مورد مراجعه فاقد شماره‌ی بیت می‌باشند، فقط یک عدد ذکر می‌شود که شماره‌ی صفحه است.

ولی تب کرده را حلوا چشیدن
نیرزد سال‌ها صفرآ کشیدن (۱۹۱)
سیه را سرخ چو کرد آذرنگی
چو بالای سیاهی نیست رنگی (۱۵۷)
کند با جنس خود هر جنس پرواز
کبوتر با کبوتر، باز با باز (۲۲۳)
ترازو را دو سر باشد، نه یک سر
یکی جو در حساب آرد، یکی زر (۲۲۱)
گلیم نو کز و گرمی نیاید
کهن گردد کجا گرمی فراید؟ (۳۰۳)
درختی کز جوانی کوژ برخاست
چو خشک و پیر گردد کی شود راست (۳۰۳)
کسی کاندازد او بر آسمان سنگ
به آزار سرخود دارد آهننگ (۳۰۴)
چو خرگوش افکند در بردباری
کند هر کودکی بروی سواری (۳۰۷)
چو شاهین باز ماند از پریدن
ز گنجشک لگد باید چشیدن (۳۰۷)
شتر کز هم جدا گردد قطارش
ز خاموشی کشد موشی مهارش (۳۰۷)
سرشت طفل بد را دایه داند
بد همسایه را همسایه داند (۳۱۰)

عطار

نام وی به اتفاق نظر اکثر مورخین و تذکره نویسان بدین قرار است: «شیخ ابوحامد محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری، وفات او به سال ۶۱۸ قمری در قتل عام نیشابور به دست مغول واقع شده است.» (فروزانفر، ۱۳۵۳: ۷)

دیوان اشعارش را بیش از صد قصیده و قریب هزار غزل و قطعه آورده‌اند و ۶۶ کتاب را به او نسبت داده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: منطق‌الطیر، تذکره الاولیاء، الهی‌نامه، بلب‌نامه، اسرارنامه، خسرونامه، مختارنامه و ... (نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۰۵)

عطار در مسیر تکامل عرفان اسلامی - ایرانی در میانه‌ی سنایی و مولوی ایستاده است.

همان گونه که در مقدمه مقاله بیان شد تفاوت عمده‌ی تمثیل رمزی با تمثیل‌های اخلاقی و تعلیمی در این است که تمثیل‌های رمزی به بیان امور ناگفتنی و اسرار غیرقابل بیان می‌پردازد و با آگاهی‌های معمول و عادات جهان مادی منطبق نیست، زمان و مکان در این نوع تمثیل رؤیاگونه است و ایده‌ی پنهان متعلق به ادراکات باطنی است و ذهن را از سطح ادراک عقلی فراتر می‌برد و به ساحت عالم ماورای حس می‌کشاند. مثنوی‌های عطار از این نوع هستند. بنابر

موضوع پژوهش که حول محور تمثیلات تعلیمی می‌باشد مثنوی‌های عطار که از دسته‌ی داستان‌های رازناک روحانی هستند خارج از حوزه این پژوهش قرار می‌گیرند. بنابراین منبع این پژوهش دیوان غزلیات و قصاید عطار می‌باشد، شواهد شعری و آمار ارائه شده نیز بر اساس منبع مورد پژوهش خواهد بود و چون حوزه مطالعاتی تنها محدود به دیوان عطار است به بحث درباره مثنوی‌های تمثیلی عطار پرداخته نخواهد شد. زیرا وارد کردن آثار یاد شده در حوزه این پژوهش با توجه به سراسر نمادین و تمثیلی بودن آنها نتیجه‌ی نهایی پژوهش را به دلیل عدم تناسب با سایر منابع مورد بررسی دگرگون می‌سازد. زیرا هدف اصلی این پژوهش میزان کارکرد انواع تمثیل‌های تعلیمی به عنوان یک صنعت بلاغی می‌باشد نه بررسی یک اثر از نوع تمثیل رمزی. با توجه به معناگرا بودن عطار، توجه به صور خیال اولویت وی محسوب نمی‌شود؛ لذا کاربرد صور خیال در اشعارش طبیعی و متعادل است. تلمیح، تقابل، تناسب، تشبیه و استعاره، جناس، واج‌آرایی، مجاز و کنایه، جان‌بخشی، پارادکس و ... از صنایع بلاغی مورد استفاده عطار می‌باشند. اغلب اشعار او مضمون و سمبلیک دارد به همین سبب نیازمند تأمل و تفکر است و اما بسامد ایباتی که دارای ویژگی تمثیلی باشند در حوزه پژوهش ما چندان چشم‌گیر نبود و تعداد آنها تنها چهار بیت می‌باشد، که از گونه‌ی مثل می‌باشند. منبع این پژوهش دیوان غزلیات و قصاید عطار تصحیح محمدتقی تفضلی است.^۱

بر امید روی تو در کوی تو پای عاشق تا به زانو در گل است

(۱۶/۵۷)

بیار دردی اندوه و صاف عشق دلم را که عقل پنبه‌ی پندار خود ز گوش برآورد

(۱/۱۶۹)

پنبه را از گوش بر باید کشید بود که یک دم بشنوی اسرار او

(۶/۵۴۷)

عقل و نقل را همچون ترازو راست دار جهد کن تا در میان نه سیخ سوزد نه کباب

(۳/۷۳۶)

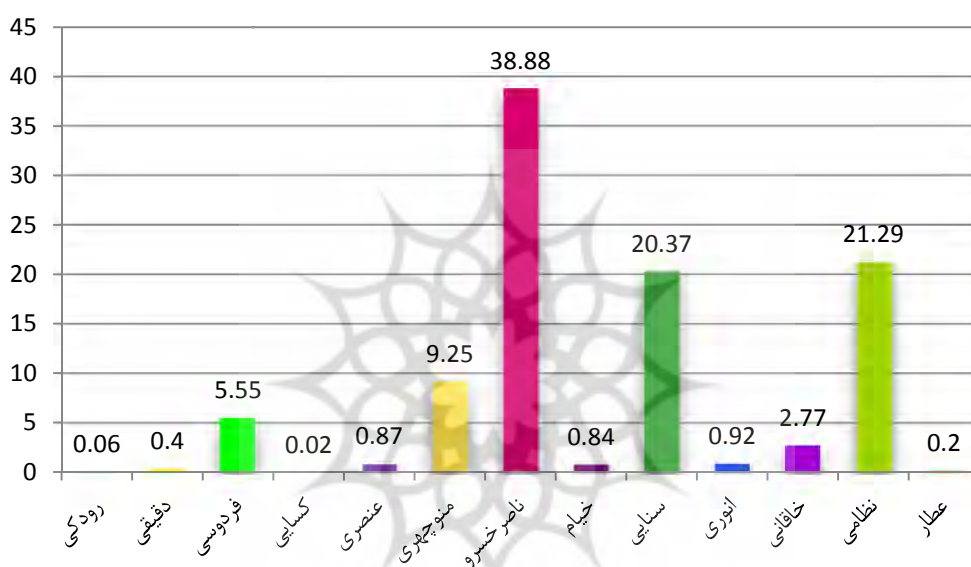
۱- در ارجاعات شواهد، عدد سمت راست شماره‌ی صفحه و عدد سمت چپ شماره‌ی بیت است.

نتیجه

تمثیل حیطه‌ی فعالیت عقلانی و خردورزی است، زیاد شدن توجه شاعران به مسائل اجتماعی، عقیدتی و سیاسی جامعه با کاربرد تمثیلات رابطه‌ای مستقیم دارد. عصر رواج تمثیل در تاریخ ادبیات ایران، عصر غلبه‌ی عقلانیت و آگاهی عقلی است. در تحلیل و واکاوی شاعران دوره‌ی خراسانی روشن می‌شود که شاعران این دوره تمثیل را بهترین ظرف برای بیان افکار و اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، دینی و اخلاقی خود یافته‌اند. در زبان فارسی تمثیل برای دایره‌ی گسترده‌ای از قالب‌ها و شکل‌های ادبی به کار رفته است و به روش آگاهانه راهی است برای پوشیده‌گویی و بیان غیرمستقیم اندیشه‌هایی که گاه بیان آنها خطر دارد و یا ساده ساختن مفاهیم انتزاعی و عقاید دینی و اخلاقی برای آموزش به عوام و ذهن‌های مبتدی. در حوزه‌ی این پژوهش همان طور که نمودار مقایسه‌ی تمثیل نشان می‌دهد ناصر خسرو پر بسامدترین شاعر در محدوده‌ی پژوهش و شاعرانی مثل رودکی، دقیقی، کسایی و عنصری که از شاعران سده چهار و پنج هستند از کم بسامدترین آنها محسوب می‌شوند، در میان شاعران دوره‌ی اول فردوسی در استفاده از تمثیل پیشرو می‌باشد و به نسبت هم عصران خود سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است. پس از ناصر خسرو سنایی و نظامی نیز بسامد چشم‌گیری را به خود تخصیص داده‌اند. عطار که در این پژوهش دیوان اشعارش مورد بررسی قرار گرفت در میان شاعران متأخر در رتبه‌ی نازل جدول قرار می‌گیرد، وی بخش عمده‌ی خلاقیت ادبی خود را در قالب نمادهای اندیشگانی و رمزی ارائه کرده است، «عطار که در حکایات و تمثیلات منظومه‌های خود مفاهیم عقلانی بسیار گنجانده است؛ از نقد آگاهی اجتماعی و سیاسی گرفته تا اخلاق و تجربه‌های عرفانی و انتقاد از قدرت سیاسی و نقد عقل و فلسفه ولی غزل‌هایش سراسر نماد پردازی با رند و می و خرابات و قلندر و میکده و زَنار و ... است. همچنین است حکایت سنایی.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۷۴)

با مقایسه میزان کارکرد تمثیل در آثار سیزده شاعر مورد پژوهش به روشنی می‌توان دریافت در قرن ششم و هفتم به نسبت قرون چهار و پنج عقلانیت بیشتری حاکم بوده است. نخستین شاعران دوره خراسانی به ندرت از مضامین تمثیلی بهره برده‌اند و اندک اندک یا گذر زمان توجه شعرا به تمثیل بیشتر می‌شود و در سده تشبیهات تمثیلی و مثل‌ها جلوه

بیشتری می‌یابند، در سروده‌های شاعران متأخر این دوره تمامی انواع تمثیل نمود می‌یابد و شاعران برای بیان غیرمستقیم اندیشه‌هایشان از تمام انواع تمثیل به میزانی گسترده بهره می‌برند، برای مقایسه‌ی ملموس‌تر میزان کاربرد تمثیل در اشعار هر یک از شعرای مورد پژوهش نموداری تهیه گردیده که با توجه به آن میزان توجه هر شاعر به مضامین تمثیلی نشان داده شده است.



نمودار مقایسه‌ی تمثیل در حوزه‌ی تحقیق
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- ۱- انوری، اوحدالدین، (۱۳۶۴)، دیوان اشعار، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲- انوری، اوحدالدین، (۱۳۷۶)، دیوان اشعار، با مقدمه‌ی سعید نفیسی، تهران: نگاه.
- ۳- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۱)، سبک‌شناسی، تهران: زوار.
- ۴- پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۴)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- خاقانی شروانی، افضل‌الدین، (۱۳۷۵)، تحفه‌العراقین، به کوشش یحیی قریب، تهران: امیرکبیر.
- ۶- خاقانی شروانی، افضل‌الدین، (۱۳۸۵)، دیوان اشعار، به کوشش دکتر ضیاء سجادی، تهران: زوار.
- ۷- خاقانی، افضل‌الدین، (۱۳۵۷)، دیوان اشعار، به کوشش سیدضیاء سجادی، تهران: زوار.
- ۸- خیام، عمر، (۱۳۹۱)، رباعیات خیام، تهران: ناهید.
- ۹- درخشان، مهدی، (۱۳۶۴)، حکیم کسایی مروزی و تحقیقی در زندگانی و آثار او، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- دشتی، علی، (۱۳۶۲)، تصویری از ناصر خسرو، به کوشش مهدی ماحوزی، تهران: چاپخانه علمی، سازمان انتشارات جاویدان.
- ۱۱- دقیقی، محمدبن احمد، (۱۳۷۳)، دیوان اشعار، به کوشش محمدجواد شریعت، تهران: اساطیر.
- ۱۲- دولت‌شاه، سمرقندی، (۱۳۳۷)، تذکره الشعراء، به کوشش محمود فرخ، مشهد: کتابفروشی باستان.
- ۱۳- رودکی، جعفر بن محمد، (۱۳۷۸)، دیوان شعر رودکی، تصحیح، پژوهش و شرح جعفر شعار، تهران: قطره.
- ۱۴- ریاحی، محمدامین، (۱۳۸۳)، کسایی مروزی، زندگی، اندیشه و شعر او، تهران: علمی.
- ۱۵- زرین‌کوب، عبدالحسن، (۱۳۷۲)، با کاروان حله، تهران: علمی.
- ۱۶- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم، (۱۳۸۸)، دیوان اشعار، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات سنایی.
- ۱۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۵)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- ۱۸- شمس قیس الرازی، (۱۳۷۳)، المعجم فی معاییر اشعار عجم، تهران: فردوس.
- ۱۹- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، نقد ادبی، تهران: میترا.
- ۲۰- شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۵۵)، یادنامه‌ی ناصر خسرو، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۲۱- شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۸۷)، شرح لغات و مشکلات دیوان انوری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۲- طالبیان، یحیی، (۱۳۷۸)، صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، کرمان: انتشارات عماد کرمانی.
- ۲۳- عبادیان، محمود، (۱۳۷۲)، درآمدی بر سبک‌شناسی ادبیات، تهران: آوای نور.

- ۲۴- عروزی سمرقندی، احمد بن عمر، (۱۳۲۷)، چهار مقاله، به تصحیح محمد قزوینی، به کوشش محمد معین، هلند، لیون.
- ۲۵- عطار نیشابوری، فرید الدین، (۱۳۹۲)، دیوان عطار به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۶- عنصری بلخی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳)، دیوان اشعار، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: سنایی.
- ۲۷- غلامرضایی، محمد، (۱۳۸۷)، سبک شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، تهران: جامی.
- ۲۸- فتوحی رود معجنی، محمود، (۱۳۸۹)، بلاغت تصویر، تهران: انتشارات علمی.
- ۲۹- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، سبک شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- ۳۰- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، شاهنامه، زیر نظر ی. ا. برتلس، ج ۱-۹، تهران: ققنوس.
- ۳۱- قربانی، ابوالقاسم، (۱۳۷۵)، زندگی‌نامه ریاضی‌دان دوره اسلامی از سده سوم تا سده یازدهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۲- ماهیار، عباس، (۱۳۸۲)، شرح مشکلات خاقانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۳- محجوب، محمدجعفر، (۱۳۵۰)، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: دانشسرای عالی.
- ۳۴- معدن کن، معصومه، (۱۳۷۸)، نگاهی به دنیای خاقانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۵- منوچهری دامغانی، ابوالنجم، (۱۳۸۴)، دیوان اشعار، به کوشش محمود دبیرسیاقی، تهران: زوار.
- ۳۶- ناصرخسرو قبادیانی، ابومعین، (۱۳۶۵)، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینویی و محمد محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۷- ناصرخسرو، ابومعین، (۱۳۸۶)، دیوان اشعار، به کوشش تقی‌زاده، تقوی، مینویی، تهران: اساطیر.
- ۳۸- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۶)، کلیات نظامی، به تصحیح حسن وحید دستگردی، ج ۱ و ۲، تهران: زوار.
- ۳۹- نظامی، الیاس بن یوسف، (۱۳۷۶)، گنجینه‌ی حکیم نظامی گنجه‌ای، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- ۴۰- نفیسی، سعید، (۱۳۴۱)، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، تهران: ابن سینا.
- ۴۱- نفیسی، سعید، (۱۳۸۴)، زندگی‌نامه‌ی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، تهران: اقبال.
- ۴۲- هدایت، رضاقلی‌خان، (۱۳۸۱)، مجمع‌الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
- ۴۳- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر هما.

ب) مقالات

- ۴۴- حسینی کازرونی، سید احمد، (۱۳۹۶)، مضامین تمثیلی در اشعار ناصرخسرو، فصلنامه‌ی تحقیقات تمثیلی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر، شماره‌ی سی و سوم، صص ۱۹-۸.

- ۴۵- رحیمی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، اهداف و ابزارهای کاربرد تمثیل در دیوان خاقانی، مجله‌ی گوهر گویا، دانشگاه اصفهان، زمستان ۱۳۸۹، شماره‌ی چهارم، صص ۹۳-۱۱۲.
- ۴۶- شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۷۱)، انوری کیست و شعر او چیست؟ مجله‌ی آشنا، شماره‌ی هشتم، آذر رودی، صص ۳۷-۴۳.
- ۴۷- طالبیان، یحیی، (۱۳۷۷)، تشبیه تمثیل در شعر منوچهری، مجله‌ی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره‌ی چهارم و پنجم، صص ۷۲-۸۲.
- ۴۸- غلامرضایی، محمد، (۱۳۸۱)، طرز عنصری، مجله‌ی شناخت، بهار ۱۳۸۴، شماره‌ی سی و سوم، صص ۵۰-۲۳.
- ۴۹- وحید دستگردی، محمد، (۱۳۱۷)، حکیم نظامی گنجوی، مجله‌ی ارمغان، دوره‌ی نوزدهم، آبان ماه، شماره‌ی ۸-۹-۱۰، صص ۴۹۶-۴۸۹.





**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**
Islamic Azad University- Bushehr Branch
No. 35/ Spring 2018

Allegory function in poems of khorasani style

Vida shirkavand¹, Ahmad khatami^{*2}

1. P.H.D student of Persian language and literature, south of Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. The instructor of Persian language and literature group, shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Abstract

In Persian rhetoric, allegory phrase includes a large semantic field that in folds compound likelihood, proverb, equations of equation, adage, storytelling's and code tales. Allegory roots in rationality and thought, there fore its relationship with wisdom texts is a direct relationship. In Persian literature history, poets of khorasani style benefited from allegorical themes related to the instructional degree of their poems in order to express their intentions. In this work, the inclination rate of each poets of this period is documented by using allegory and reading thirty percent of verses of each poem and collecting the finding and evidences with the help of stylistics standards, frequency and drawing a chart. The first poets of this period have largely used allegorical alphabets and "ersalolmasal" and through time other types of allegory emerges in poems of late poets of this period. They used informed me thod for metaphor and indirect expression of their thoughts.

Key words: allegory, poems, khorasani style, Persian rhetoric

* Receive: 2017/06/07 Accept: 2017/10/27

E-Mail: a_khatami@sbu.ac.ir